

عشیره آشفته

روزنامه مصرتایمز در مقاله‌ای به قلم «**حنیف عبدالله**» و با عنوان «عشیره آشفته»، سیاست خارجی عربستان در یمن، مصر و لبنان و همچنین مسائل داخلی و تحولات این کشور را نقد کرده است.

سلمان سرنوشت عربستان را با هزینه‌های سنگین و ریسک‌های بالا در ابهام قرار داد

در این مقاله آمده است: به قدرت رسیدن ملک سلمان در عربستان را فقط نمی‌توان یک جایگزینی در نظام قدرت خانوادگی تلقی کرد، بلکه بر اساس رفتار، سیاست و نوع تعامل با نقاط بحرانی در خاورمیانه و شمال آفریقا و یا بازیگران رقیب، باید آن را دوره‌ای جدید در این کشور ثبت کرد که بنا بر ارزیابی‌های غربی، سرنوشت عربستان سعودی را با هزینه‌های سنگین و ریسک‌های بالا در ابهام قرار داده است.

رفتار فرار به جلو در تحولات منطقه‌ای و اصرار بر سیاست‌های افراطی و بی‌ثبات‌کننده، اگرچه ظاهراً برای تثبیت موقعیت این پادشاهی است، ولی با یک اضطراب و نگرانی عمیق همراه است.

در ادامه این مقاله آمده است: «ترکی فیصل» مدتی قبل در واکنش به موضوع اوپاما که عربستان را مادر تروریسم و ناقض حقوق بشر و آزادی توصیف کرده بود، به خدمات بیش از پنجاهساله پادشاهی عربستان در هم‌پیمانی با آمریکا اشاره کرده و موضع اوپاما را غیرمنصفانه دانست.

خانه تکانی‌های سلمان تردیدی برای حذف ولیعهد باقی نمی‌گذارد

در محیط داخلی با اینکه چینش شاهزادگان در نردبان قدرت به نفع ملک سلمان و فرزندش محمد است، ولی جابجایی حدود 43 پست سیاسی و حکومتی و ادغام 13 وزارتخانه و موسسه، را باید نوعی خانه‌تکانی و تضمین ابزارهای لازم برای تصدی محمد بن سلمان دانست که تردیدی برای حذف محمد بن نایف ولیعهد از خود نشان نمی‌دهد.

عبدالله در این مقاله تأکید کرده است: هنوز روشن نیست که آمریکایی‌ها تمایل خود نسبت به محمد بن نایف را برای جانشینی پادشاه از دست داده باشند، ولی چهره‌سازی از محمد بن سلمان و توصیف محمد بن نایف به قمارباز و معتاد، پیام‌های روشنی را منتقل می‌کند. برنامه اقتصادی محمد بن سلمان که جاه‌طلبانه و غیرقابل تحقق ارزیابی شده، تلاشی برای یک برنامه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی عربستان است.

بسیار آشکار است که خانواده سلمان و پادشاهی سعودی، از اینکه با تهدیدات و هابیت مستقل از نظام پادشاهی روبرو شوند و خشم آنها در رفرم‌های فرهنگی، دوره‌ای از جنگ داخلی در عربستان را موجب شود به گونه‌ای که داعش و القاعده ناهماهنگ با دستگاه‌های امنیتی عربستان را به راه اندازد، دلهره و ترس دارند.

این نویسنده مصری در ادامه یادآور شده است: مشکل عربستان در دوره ملک سلمان به این خطرهای ویرانگر در محیط داخلی و در ابعاد امنیتی، اجتماعی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه این کشور در عرصه منطقه‌ای نیز با چالش‌های متنوعی روبروست.

جنگ در یمن، سوریه و عراق سرافکندگی عربستان را بدنبال داشته است

پروژه‌های جنگ‌افروزانه تکفیری در سوریه و عراق نه‌تنها بی‌نتیجه مانده، بلکه با ظرفیت معکوس شدن به‌سوی عربستان مواجه است و بر مشکلات این پادشاهی خواهد افزود. جنگ در یمن کارنامه‌ای خونین، پرهزینه و ناموفق ثبت کرده که سرافکندگی عربستان را بدنبال داشته است.

وی افزوده است: حاکمان ریاض فکر می‌کنند اگر کاخ سفید همراهی بیشتری با آنها در جنگ سوریه، عراق و یمن از خود نشان دهند، می‌توانند بر ویرانه‌های جنگ، جشن پیروزی بگیرند، ولی کاخ سفید اولویت دیگری دارد. آنها می‌خواهند تا قبل از نوامبر 2016، موفقیت‌هایی برای دیپلماسی خود ثبت کنند و کارزار انتخابات ریاستی را با تضمین بیشتری پشت سر بگذارند.

اما عربستان این نیاز مرحله‌ای آمریکا را برای خود کُشده می‌داند و در بازی مذاکراتی سوریه و یمن و یا رقابت‌های دوست‌سازی عراق، نقش مخرب نشان می‌دهد و با آن همراهی نمی‌کند. به همین دلیل و یا دلایل دیگری، پادشاهی عربستان خود را در یک خلاء راهبردی قدرت منطقه‌ای احساس کرده و برای جبران آن، دست به دامان مقامات اسرائیل شده تا به آمریکا ثابت کند می‌تواند نقش‌های گوناگونی در تأمین منافع آمریکا به عهده بگیرد و گاهی نیز از پتانسیل لابی صهیونیستی در درون آمریکا و یا نیازهای منطقه‌ای برای موازنه‌سازی بهره‌مند شود.

اسرائیلی‌ها آل‌سعود را پیاده نظام تأمین امنیت خود می‌دانند

در ادامه این مقاله آمده است: دوستی با اسرائیل قابل‌ملاحظه است. عربستان سعودی با آشکار کردن روابط پنهان با صهیونیست‌ها، بسیار امیدوار است تا کاستی‌های راهبردی و نظامی خود در نقاط بحرانی منطقه و یا در قبال ایران از سوی اسرائیل جبران شود، ولی اسرائیل هم، نگاه ابزاری به آل سعود داشته و حاضر نیست توان خود را برای آل سعود هزینه کند و سپر بلای آنها در مقابل ایران و مقاومت شود.

اسرائیلی‌ها برای اینکه از کابوس مقاومت و ارتقای نقش راهبردی ایران رهایی یابند، آل سعود و ذخایر تکفیری آنها را به مثابه پیاده نظام تأمین امنیت خود می‌دانند تا افکار عمومی عربی و اسلامی و پتانسیل کشورهای منطقه، به‌جای اسرائیل به یک دشمن فرضی و ساختگی منحرف شود.

حنیف عبدالله در ادامه نوشته است: به‌هرحال آنگونه که عربستان می‌اندیشد، از این ائتلاف‌سازی، یک اقدام فوق‌العاده بدست نمی‌آید. خصوصاً اینکه باید رسوایی رابطه با اسرائیلی‌ها و هزینه‌های آن را تحمل کنند. دیپلماسی رشوه آل‌سعود با مصر، سودان، جیبوتی، اردن، مالزی، پاکستان و یا ترکیه هم نتوانسته به پتانسیل‌های موثر و راهبردی تبدیل شود.

دیپلماسی رشوه آل سعود نتوانسته به پتانسیل راهبردی تبدیل شود

این نویسنده مصری در ادامه مقاله خود نوشته است: ترکیه اخوانی نیز با اینکه از مناسبات برابر با عربستانی‌ها استقبال می‌کند و پرداخت هزینه‌های میلیاردی خود در سوریه و دیگر نقاط را برای اقتصاد و ترکیه ضروری می‌داند، ولی حاضر نیستند نقش ابزار و دست‌دوم برای عربستان را به عهده بگیرند.

در مصر، اگرچه، چالش اصلی ژنرال سیسی با اخوانی‌هاست، ولی گسترش جریان داعش و تکفیری به داخل مصر که منشأ عربستانی دارد، مقامات حاکم بر قاهره را محتاط کرده، ولی به‌شدت به دلارهای اهدایی آنها احساس نیاز می‌کنند و بیش از لبخند با پادشاه عربستان، امکان همراهی راهبردی با آنها را ندارند.

در سوریه و عراق، با اینکه تروریسم تکفیری و القاعده، ظرفیت‌های بزرگی برای تغییر نقشه منطقه از خود نشان داد و آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و غربی‌ها را خوشحال کرد، ولی افول و غروبی سریع از خود نشان دادند و در مقابل راهبردهای ایرانی و مقاومت، تحمل و امکانی برای باقی ماندن و حیات طولانی در خود ندیدند.

عزای پایان عمر تروریسم تکفیری در عراق و سوریه، برای آمریکا و اسرائیل و آل سعود قابل تحمل نیست، چرا که پیامدهای ژئوپلیتیکی و امنیتی این شکست، عربستان را در محاق و آمریکا را با شو از دست رفتن هژمونی منطقه‌ای روبرو می‌کند.

لذا همه انرژی آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی در سوریه و عراق در تزریق تروریست‌های جدید و سلاح‌های حیات‌بخش برای تروریست‌ها و طولانی کردن عمر آنها مصروف می‌شود. فقط امید دارند که دیرتر شکست بخورند و کسب پیروزی و امتیاز بیش‌تر به سراب و توهم شباهت دارد.

این مقاله می‌افزاید: ثبات اقتدارساز در عراق، برای آمریکا و عربستان یک سم مهلک است و لذا در کنار بازی به اصطلاح مبارزه با تروریسم در عراق، از هر تلاش برای واگرایی، هرچومرج و ناکارآمدی حکومت مرکزی این کشور استقبال می‌کنند. عراق مقتدر، دمکراتیک و منسجم برای معادله قدرت منطقه‌ای و بقای آل سعود، در نقطه مقابل معکوس قرار دارند.

ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی برای عربستان یک کابوس و برای آمریکا غیرقابل‌باور و پذیرش است و لذا دیپلماسی رسمی و یا پنهان آنها در تخریب، مهار و یا فشار و محدودسازی ایران قرار گرفته است. اگر شیخ خزعل در دوره ناصر، هویت قومی و ناسیونالیستی داشت و تمام عشایر و خانواده‌های نامدار و جزیره‌العرب را راهبری می‌کرد، در دوره صدام، بعثی شده و در خدمت وی قرار گرفتند.

با مرگ شیخ خزعل این شجره عشایری از سوی عربستان با شناسنامه عرب سنی ظاهر شده است. عربستان می‌داند که برای اجرای نقش تخریبی در درون ایران، نمی‌تواند بر روی ظرفیت‌های کُردی و بلوچ تکیه کند، ولی با تکیه بر شجره عشایری شیخ خزعل، می‌تواند خود را وارث و منجی عرب و اهل سنت قرار داده و با دلارهای نفتی به رفتار ضد امنیتی در مقابل ایران استمرار دهد.

عبدالله معتقد است عربستان پنهان نمی‌کند که ده‌ها میلیارد دلار به صدام برای جنگ با ایران اهدا کرد و یا با تروریست‌های تکفیری به مراکز دیپلماتیک ایران در چند کشور حمله کرده و خونریزی راه انداختند، و یا از شرورهای مواد مخدر در جنوب شرق ایران برای ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی بهره گرفته‌اند.

عربستان سعودی برای اینکه ثابت کند برای آمریکا مفید است و آمریکا نباید به بهانه توافق هسته‌ای به ایران نزدیک شود، حاضر است خودکشی اقتصادی هم بکند و نفت ارزان به جهان عرضه کند و یا به وسوسه خریداران نفت ایران، پیشنهاد قیمت‌های پایین‌تر از سبد رسمی بورس‌ها را بدهند تا فروش نفت ایران و تأمین درآمد ایران مختل شود.

عربستان در عرصه دیپلماسی تصویری خونریز و تروریسم گونه دارد

این نویسنده عرب نوشته است: بطور کلی تصویری که عربستان از خود در دیپلماسی، نقش منطقه‌ای و تعامل و رقابت در منطقه و جهان به‌جا گذاشته، نه‌تنها به نتایج ملموس و راهبردی منتهی نشده، بلکه چهره‌ای از یک بازیگر شرور، غیرقابل‌اعتماد، ناامن‌کننده، خونریز و تروریست به‌جای

گذاشته تا جایی که حتی حامیان آنها در لندن و واشنگتن ناچارند گاهی به این جلوه‌های زشت و یا وحشتناک در محیط داخلی و خارجی عربستان اذعان و اعتراف کنند.

اگر چنین ارزیابی کنیم که بسیاری از کشورها یا بر مبنای دفع شر و یا بعنوان کیسه پول و دلارهای نفتی به عربستان نگاه می‌کنند، چندان به بیراهه نرفته‌ایم و انصاف را زیر پا نگذاشته‌ایم. پاکستانی‌ها و ملک عبدالله اردنی، عمرالبشیر سودانی، حاکمان جیبوتی، نخست‌وزیر مالزی و ژنرال السیسی در مصر و حتی اردوغان در ترکیه، قبل از اینکه به آل سعود به‌عنوان یک شریک و بازیگر مؤثر فکر کنند، به سخاوت رشوه‌های این پادشاهی و سیاست‌های تنش‌آلود آنها دل بسته‌اند.

حنیف عبدالله در پایان مقاله خود تأکید کرده است: همان‌گونه که مقامات تل‌آویو به دو سرمایه آل سعود برای عبور از چالش‌های خود فکر می‌کنند و دلارهای سعودی و سرمایه تروریسم تکفیری را برای خود امنیت‌ساز می‌دانند، آمریکا و اروپا هم، با کلاه بزرگی بر سر این پادشاهی، به فروش تسلیحات رنگارنگ به آنها و هدایت و راندن آنها در اجرای سیاست‌های منطقه‌ای فکر کرده و لذت می‌برند.

درحالی‌که زنان در عربستان باید در زنجیر محرومیت‌ها باشند، شاهزادگان سعودی در کاباره‌های غربی هرزگی می‌کنند و به زن‌بارگی مشغولند.

درحالی‌که شیخ نمر به دلیل مطالبه آزادی و حقوق بدیهی مدنی در عربستان گردن زده می‌شود و همه صداهای آزادی‌خواهانه و حقوق دمکراتیک خفه می‌شوند، عربستان در سوریه خواستار دمکراسی است. درحالی‌که به بحرین نیرو اعزام می‌کند تا مردم معترض به آل‌خلیفه مورد حمنایت انگلیس را سرکوب کنند، ایران را متهم می‌کند که در کشورهای عربی مداخله می‌کند.

درحالی‌که مردم عربستان مجبورند با پادشاه بیعت کنند، دمکراسی در عراق را تحمل نمی‌کند و رئیس‌جمهور منتخب مردم در سوریه باید با اراده آل سعود ساقط شود.

درحالی‌که عربستان خود را حامی عرب و اهل سنت می‌داند، با اشغالگران فلسطین، دوستی خود را آشکار می‌کنند و عرب و اهل سنت در یمن را به خاک و خون می‌کشند. آل سعود که مادر تروریسم تکفیری است، خود را عضو ائتلاف ضد تروریسم می‌داند و برای برملا نشدن رسوایی دست داشتن در تروریسم 11 سپتامبر، 750 میلیارد دلار به آمریکا رشوه می‌دهند. این تابلوی کوچکی از رفتار، سیاست و ماهیت عربستان است که جهان در تماشای آن است.

انتهای پیام

<http://www.mesrtimes.com/456589>